روش شناسی تدوین حدیث در وسائل الشیعه

حسن ربّانی

چکیده: وسائل شیعه یکی از کتاب های حدیثی مهم و متداول در حوزه های علمیه است. از این رو بیش از هر کتاب حدیثی دیگری نیازمند بررسی و روش شناسی تدوین حدیث است. تا طلاب و فضلا هرچه بیشتر با ابعاد آن آشنا شده و با روش بهره گیری از آن انس بگیرند.

کلیدواژه: وسائل شیعه، شیخ حر عاملی، تدوین حدیث، جامع احادیث.

مقدمه

شیخ حرّ عاملی شامگاه جمعه هشتم رجب المرجب سال ۱۰۲۳ قمری در خانواده‌ای علمی و اصیل در جنوب لبنان در قریهٔ مشغری از قرای جبل عامل دیده به دنیا گشود.

وی اخباری بود و به شدت از عصمت پیامبر(ص) دفاع می‌نمود، روایات سهوالنبی را تأویل و توجیه بلکه رد می‌کرد و با نوشتن وسائل الشیعه به شهرت فراوان راه پیدا کرد.

فصل اول: بررسی شیوهٔ نگارش وسائل الشیعه

روش تبویب وسائل الشیعه

عنوان باب وسائل الشیعه بر گرفته از روایاتی است که در آن باب ذکر می‌شود.

آن عنوان فتوای صاحب وسائل‌الشیعه را بیان می‌کند، چنان‌که احکام برآمده از روایات خود عنوان باب شده است. این مطلب به ویژه در مواردی که تعارض بین روایات وجود دارد بسیار روشن است. شیخ حر عاملی در این زمینه از ثقة الاسلام کلینی تأثیر پذیرفته است.

افزون بر این، وی در پایان هر باب روایات معارض را تأویل و توجیه می‌کند.

از خصوصیات کتاب وسائل‌الشیعه در برابر جوامع روایی متقدمان آن است که شیخ حر عاملی عناوین ابواب وسائل‌الشیعه را بسیار جزئی نقل کرده و ذیل هر عنوان را بر اساس آن گرد آورده است. برای مثال محمدبن یعقوب کلینی در کتاب «صید و ذباحه» این عنوان را آورده: «باب الصید بالسلاح» و در ذیل آن دوازده روایت برشمرده، درحالی که شیخ حر عاملی این روایات را با عنوان مناسب ذکر کرده و پنج عنوان برای روایات آن قرار داده است که از هر عنوان فتوای او نیز استفاده می‌شود.

ب) ذکر نام مؤلف در آغاز سند

شیخ در ابتدای هر حدیث به نام کتابی که از آن روایت کرده اشاره نکرده بلکه نام مؤلف آن را یاد کرده است.

وی در پایان وسائل‌الشیعه خاتمه‌ای افزوده که به چند مطلب اشاره دارد و آنها را براساس کتاب‌های رجالی مثل ابن داوود و علامه حلی و تفرس با عنوان «الفوائد» ذکر کرده است:

الفائدة الاولی: دربارهٔ طرق شیخ صدوق؛

الفائدة الثانیه: دربارهٔ طرق شیخ طوسی؛ زیرا روایات این دو کتاب به صورت تعلیق آمده و ذکر مشیخه لازم است.

الفائدة الثالثه: وی در توضیح «عدة من اصحابنا» در اصول کافی و بیان مراد از «عدّه» در صدر اسناد کتاب کافی چنین تعلیق زده که این روایات مرسل نیست؛ زیرا افراد آن عده در جایی دیگر یاد شده‌اند؛ افرادی که دست کم از سه

نفر یک نفرشان ثقه است. این گونه خبرها از خبر واحد نیز برتر می‌نماید، چنان که سیدمحمد موسوی عاملی نیز این گونه اخبار را مرسل نمی‌داند.

دربارهٔ برخی از اسناد کتاب کافی که مرحوم کلینی صدر سند را به انگیزهٔ تکیه بر سند حذف کرده است به این روایات معلق می‌گوید. با این حال شیخ حر عاملی صدر سند قبل را ذکر کرده تا سند متصل باشد و ارسال آن نیز رفع گردد. برخی این احادیث را نیز مرسل دانسته‌اند.

ج) تکمیل سند اشاره به طریق

همچنین شیخ حرّ عاملی اسنادی را تکمیل کرده که شیخ طوسی از آنها به اشاره گذشته است. برای نمونه، در تهذیب آمده است:

وبهذا الاسناد عن محمد بن احمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن البرقی عن عبدالله بن سنان عن اسماعیل بن جابر قال سئلت اباعبدالله علیه السلام عن الماء الذی لا ینجسه شیء قال: کر! قلت و ما الکرّ قال: ثلاثة أشبار فی ثلاثة أشبار.[1]

شیخ حرّ عاملی در کتاب وسائل الشیعه نخست این حدیث را از کلینی نقل کرده و پس از نقل وی فرموده است:

و رواه ایضاً عن محمد بن محمد بن النعمان عن احمد بن محمد عن ابیه عن سعد بن عبدالله عن احمد بن محمد عن محمد بن خالد عن محمد بن سنان عن اسماعیل بن جابر مثله.[2]

چنان که پیداست عبارت «بهذا الاسناد» شیخ طوسی توسط شیخ حر عاملی ظاهر گردیده است.[3]

---

۱. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۲.
۲. همان، ص ۱۰۱/۳۷.
۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۶۰.

د) تلخیص اسناد

شیخ حر عاملی روایات کتب اربعه را با نام صاحبان آنها یاد می‌کند، اما اگر روایات سایر کتاب‌های روایی را برمی‌شمارد آنها را از خود کتاب و به همان نام نقل می‌کند.[۴]

مرحوم شیخ در خاتمهٔ وسائل‌الشیعه تذکر داده که اسانید صدوق را، به جز اسانید کتاب من لایحضره الفقیه، همان‌گونه نقل کرده که صدوق سند آورده، ولی عبارت «قال حدثنا» و «قال أخبرنا» را از بسیاری اسناد حذف کرده و به جای آن لفظ «عن» آورده است. وی به سند دیگران نیز همین گونه اشاره کرده، چنان‌که روایات مسلسل از امام رضا(ع) و دیگر امامان(ع) را به شیوهٔ «عن عنه» آورده تا اختصار را رعایت کند.

شیخ حر عاملی در برخی از موارد طریق صدوق به صاحب کتاب را حذف کرده ولی در پایانهٔ کتاب آن طرق را آورده است، مثل طریق شیخ صدوق در علل الشرائع به محمد بن سنان که سه طریق دارد و یا طریق صدوق به فضل بن شاذان در علل الشرایع و دیگر موارد.[۵]

هـ) تعیین راویان مشترك

راوی مشترک، عنوانی است که بر چند نفر صدق می‌کند و شناسایی آن به چند قرینه نیاز دارد:

قرینهٔ یکم. امام مروی عنه؛ زیرا وقتی روشن باشد که راوی از اصحاب کدام امام است، می‌توان آن عنوان مشترک را شناسایی کرد، مثل ابن‌سنان که از حضرت صادق(ع) روایت می‌کند؛

قرینهٔ دوم. مشایخ راوی و شاگردان او یعنی از طبقهٔ راوی می‌توان عنوان مشترک را شناسایی کرد. از آثار مهم طبقه‌شناسی راویان همین نکته است،

۴. همان، ج ۲۴، ص ۲۷۵.
۵. همان، ج ۳۰، ص ۱۲۰.

یعنی شناسایی عنوان‌های مشترک راویان براساس طبقات راویان؛

قرینهٔ سوم. متن روایت؛

قرینهٔ چهارم. مقایسهٔ اسناد مختلف؛ زیرا گاهی محدثان نام پدر و یا خصوصیات راوی را ذکر می‌کنند.

شیخ کلینی در موارد زیادی راوی مشترک را مشخص نکرده، مثل این حدیث: «محمد بن یحیی قال کتب محمد بن الحسن الی ابی محمد علیه السلام... »[۶]

ولی این حدیث در وسائل الشیعه چنین آمده است:

۱. محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن محمد بن الحسن یعنی الصفار انه کتب الی ابی محمد (ع): یجوز أن...

مرحوم شیخ حر کلمهٔ محمد بن الحسن که عنوان مشترک می‌باشد را بیان کرده، و مدعی شده که مراد «الصفار» صاحب بصائر الدرجات می‌باشد.

هر جا در وسائل الشیعه در ضمن اسناد کلمه «یعنی» به کار رود و عنوان مشخص باشد، از قلم مصنف است.

و) ذکر روایات قوی در صدر باب

وی روایات قوی‌تر را در ابتدای باب و روایات ضعیف‌تر را در اواخر باب آورده است. بر همین اساس به روایات کلینی درصدر باب اشاره کرده و به ترتیب روایاتی را برشمرده که از نظر سند در مرتبهٔ اعتبار کمتری هستند. لذا در ابتدای هر باب وسائل الشیعه به روایات مسند از کافی، تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه اشاره کرده است. مرحوم کلینی نیز در کتاب کافی همین روش را در پیش گرفته است. وی درصدر باب روایات معتبر و مسند را ذکر می‌کند و هرچه به طرف آخر باب می‌رود از اعتبار آن کاسته می‌شود.

---

۶. همان، ج ۱، ص ۴۹۱.

ز) اکتفا به یک نسخه

آن‌گاه که چند روایت درصدد بیان یک نکته از نسخه‌های گوناگون باشند شیخ تنها به بیان آن مطلب از کتابی معتبر می‌پردازد که معمولاً آن کتاب کافی است. البته وی به اسناد دیگر کتاب‌ها اشاره می‌کند، اما تنها اسناد کافی را کامل ذکر می‌کند و اسناد دیگر کتاب‌ها را به تعلیق بسنده می‌کند.

البته شیخ به تصحیح و تضعیف طرق نپرداخته است؛ زیرا وی همهٔ روایات کتب اربعه را معتبر می‌داند و از این‌رو ضرورتی در ذکر طریق و سند آنها نمی‌بیند.

ح) تقدم روایات کافی

شیخ در کتاب وسائل در ذیل هرباب نخست روایات کافی را با عنوان «محمد بن یعقوب» آورده و در برخی ابواب با روایات تهذیب‌الاحکام و یا من لایحضره الفقیه آغاز کرده است؛ زیرا در این موارد یا روایتی در کافی وجود ندارد یا آنکه روایتی را ذکر کرده که سند یا نحوهٔ دلالت آن بر روایت کافی برتری دارد.

ط) نقد نکردن احادیث

شیوهٔ مرحوم شیخ در وسائل‌الشیعه این گونه نبوده که روایات را نقد کند. روش او در این جهت با روش مرحوم مجلسی در کتاب بحارالانوار و یا مرحوم فیض کاشانی در وافی یکی نیست. اصل اولی در نزد وی جمع بین روایات و تأویل و در مرحلهٔ سوم حمل بر تقیه است. حمل روایاتی که مانندش در روایات عامه یافت شود بر تقیه و محرز دانستن صدور آن از معصوم(ع). شیوهٔ اخباریان نیز چنین است که اگر روایتی موافق با روایات عامه باشد آن را بر تقیه حمل می‌کنند.

ی) برخورد با روایات متعارض

مؤلف در ذیل عنوان باب روایات متعارضی را می‌آورد که برخلاف عنوان و فتوای او بر آن مطلب دلالت دارد. سبک مرحوم شیخ طوسی(ره) نیز چنین بوده که تمام روایات دربارهٔ موضوع را ذکر کرده است؛ چه موافق عنوان و چه

مخالف آن و آن‌گاه روایات مخالف را در پایان توجیه نموده است. البته وی به رد صریح آن نپرداخته، بلکه در حد امکان روایات را جمع می‌کند و در فرض عدم امکان به تأویل و توجیه آنها می‌پردازد. در همین زمینه به توجیهات شیخ طوسی(ره) نیز اشاره می‌کند و گاهی که تأویل و توجیه وی را نپسندیده، نظری دیگر داده و گاهی نیز از توجیهات فقیهان بهره برده است.[7]

بیشتر گفتار شیخ حر عاملی از قبیل حمل بر کراهت،[8] استحباب، تقیه،[9] ضرورت[10] و یا حمل بر اختصاص آن به شریعت خاص است.

فصل دوم: نکته ها و کاستی ها

الف) ذکر نکردن اختلاف نسخه ها (سند، متن)

محدث عاملی برای نگارش حدیث نخست باب روایت را از کافی یا تهذیب الاحکام و یا من لایحضره الفقیه آورده و در بیشتر موارد همان روایت محمدبن یعقوب کلینی را مقدم داشته است و پس از آن افزوده: «ورواه الشیخ باسناده ورواه محمد بن علی باسناده» یعنی آنکه طوسی و صدوق هر دو این روایت را آورده‌اند، اما محدث عاملی به اختلاف نسخه ها نپرداخته است؛ چون همانندی در متن سه نسخهٔ کافی، تهذیب‌الاحکام و من لایحضره الفقیه کمتر پیش می‌آید، بلکه اختلاف هایی در آنها می‌توان یافت که باعث اختلاف در مدلول بلکه مراد و فتوا می‌گردد. متأسفانه محدث عاملی به این مطلب مهم نپرداخته است. مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی (۱۳۸۰ ق) در این باره تأکید داشت که فقیه باید به اختلاف متن روایات توجه کند و درنظر نگرفتن اختلاف نقیصه‌ای است و برای برطرف کردن این مشکل کتاب جامع احادیث

---

۷. همان، ج۱۷، ص ۸۷ و ۱۶۴.

۸. همان، ص ۱۰۷.

۹. همان، ص ۱۴۴.

۱۰. همان، ص ۱۰۹.

الشیعه را تألیف کرد و به اختلاف نسخه‌ها توجه داد. البته مخفی نماند که این نقیصه اندکی در وسائل الشیعه چاپ مؤسسه آل البیت(ع) برطرف شده است.

البته گاه وسائل الشیعه به برخی اختلافات اشاره کرده است، هرچند معلوم نیست که چرا مرحوم شیخ حرعاملی با وجود اختلاف در روایات از جهت آنکه یکی مفصل‌تر و یکی موجزتر و یکی همراه با دیگری بدون آن است، به مسئلهٔ اختلاف نسخه‌ها نپرداخته است.

ب) علت عدم تعرض اختلاف نسخه‌ها

شاید دلیل عمده‌ای که برای عدم اشاره به اختلاف نسخه‌ها در وسائل الشیعه بتوان یاد کرد، عقیده شیخ حر عاملی(ره) بر آن مسئله است که روایات فروع را نقل به معنا می‌داند. از این نظر اختلاف در تعابیر طبیعی است. البته روشن است که این توجیه کافی نیست و اختلاف تعابیر در فهم غرض اصلی معصوم(ع) کمک شایان ذکری می‌کند. به همین دلیل گاه به اختلاف نیز می‌پردازد.

ج) ذکر اختلاف مؤثر در معنا

شیخ حر عاملی در اختلاف نسخه‌هایی که موجب اختلاف در فتوا و معنا و مدلول شده، حتماً به اختلاف نسخه‌ها اشاره کرده است:

> ۲۴. باب وقت المغرب والعشاء لمن خفی عنه المشرق والمغرب
>
> ۱. محمدبن یعقوب عن علی بن محمد عن سهل بن زیاد علی بن بن الریان قال کتبت إلیه الرجل یکون فی الدار تمنعه حیطانها النظر الی حمرة المغرب ومعرفة مغیب الشفق و وقت صلاة عشاء الاخرة متی یصلیها؟ و کیف یصنع؟ فوقع علیه السلام یصلیها اذا کان علی هذه الصفة عند قصرة النجوم و المغرب عند اشتباکها و بیاض مغیب الشمس.
>
> و رواه الشیخ باسناده عن سهل بن زیاد إلاّ أنه قال فی احد روایتیه

«والعشاء عند اشتباکها» ورواه ابن ادریس فی آخر السرائر نقلاً من کتاب مسائل الرجال روایة احمد بن محمد عیاش الجوهری ورواه عبدالله بن جعفر الحمیری عن علی بن ریّان مثله إلاّ أنه قال: عند اشتباک النجوم والمغرب عند قصر النجوم.

قال الشیخ معنی قصر النجوم بیانها.[۱۱]

د) اشاره به تقطیع در کافی و ذکر کامل در غیر آن

گاه کلینی یا صدوق حدیثی را تقطیع کرده‌اند، ولی شیخ طوسی آن را تقطیع نکرده و صدر و ذیل آن عبارت را آورده است. این نکته امتیاز کتاب تهذیب‌الاحکام را می‌نماید؛ زیرا چون شیخ طوسی کتاب تهذیب‌الاحکام را به منزلهٔ کتاب فقهی و در شرح المقنعه شیخ مفید نوشته، نکاتی را در آن لحاظ کرده که در کتاب کافی و من لایحضره الفقیه ذکر نشده است. شیخ طوسی در تهذیب الاحکام بسیاری از احادیث تقطیع شده در کتاب‌های دیگر را تقطیع نکرده و تمام آنها را آورده است. برای مثال اصل ظریف بن ناصح از جمله روایات مفصل به شمار می‌رود که در حدود دوازده طریق نقل شده و شیخ طوسی آن را در تهذیب‌الاحکام تقطیع نکرده، در حالی که کتاب کافی همین حدیث را تقطیع کرده است. صاحب وسائل‌الشیعه به چنین اختلاف‌هایی میان کافی و تهذیب‌الاحکام اشاره نموده؛ زیرا متن حدیث طولانی‌تر است.

هـ) وجود تصحیفات در اسناد و متن روایات

مرحوم عاملی فردی دانا به حدیث و اسناد و راویان بوده است. از این رو باید دید که چرا وی اسناد و متن روایات را تصحیح نکرده و به

۱۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۰۶، الکافی، ج ۳، ص ۱۵/۲۸۱، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۴۵۹، و ج ۲، ص ۱۰۳۸/۲۶۱، الاستبصار، ج ۱، ص ۹۷۲/۲۶۹، السرائر، ص ۴۷۹.

تصحیح تصحیفات و تحریفات اسناد و متن کتاب‌های سابق نپرداخته است. برای نمونه، گاهی سندها در اسناد تهذیب‌الاحکام علیل هستند و مرحوم عاملی(ره) آنها را تصحیح نکرده است، در حالی که می‌توانست با مقایسه بین اسناد و شناخت طبقات راویان سلسلهٔ اسناد را تصحیح کند و راویان تصحیف شده، مقدم شده یا مؤخر شده را در جای خود قرار دهد و در واقع نقص حدیث را بیان کند و صحیح آن را اشاره نماید. البته نمی‌توان پذیرفت که مرحوم عاملی(ره) هرگز به این کار نپرداخته، بلکه گاهی در متن و گاهی در حاشیهٔ کتاب وسائل‌الشیعه بدان تذکر داده است، اما این مقدار کفایت نمی‌کند، بلکه غالباً اسناد را با همان حالت موجود در کتب اولی ضبط کرده، همان‌طور که گاهی نقص‌هایی در متن روایات وجود داشته و در اختلاف نسخه‌ها نسخهٔ برتری بوده، ولی مرحوم شیخ حر عاملی این کار را نکرده است.

البته مرحوم عاملی(ره) فقط درصدد گردآوری روایات کتاب‌های متقدمان بوده است. از آن‌رو که وی در پی تصحیح و تحلیل روایات نبوده به تصحیح و بررسی اسناد نیز نپرداخته است؛ زیرا این مقوله چنان معجم رجال الحدیث مرحوم آیة‌الله خوئی مجال گسترده‌تری می‌طلبد. مرحوم آیة‌الله خوئی گاه در معجم رجال‌الحدیث بلکه در فقه دو یا سه صفحه در ضبط یک راوی و تصحیف و تحریف و طبقه و اتصال و انقطاع یک سند حدیث آورده است. مرحوم آیة‌الله بروجردی (۱۳۸۰ هـ. ق) نیز به همین انگیزه کتاب‌های چهارگانهٔ حدیثی را طبقه‌شناسی کرده و راویان اسناد آنها را بررسی نموده و کتاب ترتیب اسانید کافی، ترتیب اسانید التهذیب و غیر آن را نگارش کرده است. وی شیوهٔ خود را در تدوین علم رجال براساس شناخت طبقات و راویان و استادان آنها و شاگردان آنها و زمان راوی قرار داده، و از این راه به خوبی توانسته علت‌های موجود در احادیث را بیان کند.

و) ذکر نکردن آیات الاحکام

مرحوم عاملی آیات‌الاحکام را نیاورده، در حالی که در هر باب روایاتی را ذکر کرده که متضمن آیات‌الاحکام و به‌ویژه استشهادات ائمه(ع) به آیات است، در حالی که مرحوم فیض کاشانی (۱۰۹۱ هـ. ق) در کتاب وافی که در همان دوره شیخ حر عاملی گردآوری و تألیف شده آیات‌الاحکام را آورده است، همان‌طور که مرحوم آیةالله العظمی حاج سیدحسین بروجردی نبود آیات‌الاحکام در کتاب وسائل الشیعه را نقص دانسته و آنها را در کتاب جامع احادیث گردآورده است. این آیات در جامع احادیث الشیعه بیشتر از ۲۵۰۰ آیه شمارش می‌شود.

ز) ابهام در ذکر روایات

مرحوم عاملی در کتاب وسائل الشیعه در موارد زیادی که روایات باب را می‌آورد در ذیل برخی عناوین و باب‌ها می‌گوید: «سیأتی ما یدل علیه ومضی ما یدل علیه.»

متأسفانه یکی از نکات مبهم و مجمل کتاب وسائل الشیعه این مقوله است. مرحوم آیةالله بروجردی این نقیصه را نیز تدارک کرده و لذا در کتاب جامع احادیث الشیعه هر روایتی را که دلالت صریح داشته باشد در ذیل آن باب آورده است و اگر روایاتی در سایر ابواب بوده باشد، خیلی واضح بدان اشاره نموده و مصدر و باب آن را ذکر کرده تا فقیه به سرعت بتواند به آن مقصودی دست یابد که مدلول تمام روایات دلالت کننده است.

تقطیع روایات در وسائل الشیعه

روایات در کتاب وسائل الشیعه تقطیع شده است. از این‌رو مرحوم بروجردی(ره) معتقد بود که نباید روایات را تقطیع کرد؛ چون با تقطیع ممکن است قرینه‌ای از صدر یا ذیل روایت حذف شود که موجب روشنایی و توضیح صدر و ذیل باشد. از این رو باید فقیه روایت را از صدر تا ذیل بخواند و بر فقرات آن نظارت کند تا مقصود معصوم(ع) را به روشنی دریابد.

فصل سوم: خاتمهٔ وسائل الشیعه

مرحوم عاملی(ره) برای وسائل‌الشیعه خاتمه و پایان‌نامه‌ای قرار داده و دوازده فایدهٔ مهم را بررسی کرده است:

فایدهٔ اول: مشیخهٔ صدوق در من لایحضره الفقیه

از آنجا که روایات من لا یحضره الفقیه به شیوهٔ تعلیق ذکر شده و برخی از آنها مرسل است، شیخ صدوق در پایان من لا یحضره الفقیه بخشی را با عنوان «المشیخه» قرار داده است. «المشیخه» بر وزن «مَفْعله» جمع مکسّر کلمهٔ شیخ است، همان‌طور که مشایخ و شیوخ جمع مکسّر آن است، ولی میرداماد در الرواشح السماویه آن را اسم مکان دانسته است. «المشیخه» در اصطلاح کتابی است که واسطه‌های بین مؤلف (شیخ صدوق ۳۸۰ هـ. ق) و صاحب جزوه و اصل حسین بن سعید اهوازی و محمد بن ابی‌عمیر (۲۱۷ هـ. ق) و غیر آنها را نوشته است. برای مثال می‌گوید هر چه در این کتاب از حسین بن سعید نقل کرده‌ام از طریق پدرم و او از استادش... تا اینکه واسطه‌ها به صاحب اصل می‌رسد.

شیخ حر عاملی می‌گوید طرق شیخ را به همان سبکی آورده‌ام که خودش آورده بود و در آن تغییر ایجاد نکردم؛ چون کم بود و در وسائل‌الشیعه هم مثل شیخ رفتار کردم و سلسلهٔ اسناد را به صورت تعلیق آوردم؛ چون شیخ در دو کتاب «تهذیبین» تصریح می‌کند که در ابتدای هر حدیث فقط نام صاحب کتابی را می‌آورد که حدیث را از آن اخذ کرده است و البته طریق و راویان واسطه بین صاحب اصل و امام(ع) را ذکر می‌کند ولی واسطه‌های بین خود و صاحب اصل را نمی‌آورد؛ چون روایات را به شیوهٔ تعلیق نقل می‌کند و معنای تعلیق همین است که از تکرار سند واحد پرهیز کند و آن را در «المشیخه» آورد.

مجموع طرق شیخ طوسی در تهذیبین ۵۲ طریق می‌شود.

فایدهٔ دوم: در بیان «عدة من اصحابنا» در کافی

شیخ کلینی بسیاری از روایات کتاب کافی را با لفظ «عدة من اصحابنا» شروع می کند و از این لفظ گروهی از مشایخ خود را اراده کرده است.

فایدهٔ سوم: ذکر منابع

شیخ حر عاملی در فایدهٔ چهارم مصادری را برشمرده که از آنها روایت نقل کرده است. او براساس شیوهٔ خود روایات این کتاب ها را معتبر می شمارد، چه سند داشته باشد چه نه یا آنکه مرسل و منقطع باشد، به ارسال های خفی نمی پردازد؛ زیرا او معتقد است که استناد این کتاب ها به صاحبان آنها احراز شده و مؤلفان آنها به صحت روایات آنها شهادت داده اند.

وی ۸۲ کتاب را نام برده که بدون واسطه از خود آنها نقل کرده است و یک سری کتاب های دیگر را نیز ذکر می کند که باواسطه از آنها نقل می کند. این کتاب ها که معتبر است و فقها از آنها نقل کرده اند و دسته دوم به شمار می روند همان اصول اصحاب ائمه هستند که مرحوم عاملی از آنها باواسطه نقل می کند؛ زیرا این اصول تا زمان آن فقها وجود داشته که از آنها بدون واسطه نقل کرده اند، ولی در زمان مرحوم عاملی از بین رفته است، مثل روایاتی که صدوق و شیخ طوسی در کتاب های فتوایی خود همچون مقنع، هدایه و نهایه نقل می کنند و یا روایاتی که محقق حلی در المعتبر نقل کرده، بلکه فقها پس از آنها همچون شهید اول و علامه حلی و سید بن طاووس و علی بن عیسی و غیر آنها روایاتی را از صاحبان اصول نقل کرده اند که در جوامع روایی متقدمان موجود نیست، این کتاب ها نیز به ۹۶ کتاب می رسد.

فایدهٔ چهارم: طرق مؤلف

مؤلف در این فصل طرق خود به صاحبان کتاب ها را بیان می کند و این سبک علمای ما بوده که طرق خود را به هریک از مؤلفان کتاب ها ذکر می کنند و

به شاگردان خود اجازه نیز می‌دهند که کتاب‌های حدیثی را نقل کنند.

فایدهٔ پنجم: توصیف مصادر کتاب وسائل الشیعه

مؤلف در این فایده دربارهٔ جهت و اعتبار کتاب‌هایی بحث می‌کند که در وسائل الشیعه از آنها بهره‌مند شده و آنها را در تألیف وسائل الشیعه دخالت داده است. وی این کتاب‌ها را صحیح می‌داند و نسبت آنها را به مؤلف نشان متواتر می‌شمارد و احادیث آنها را از ائمه(ع) ثابت شده یاد می‌کند. شیخ حر عاملی از این قراین و نکته‌ها که جهت این کتاب را اثبات می‌کند در این فایده نمونه‌هایی را ذکر می‌کند.

فایدهٔ ششم

شیخ حر عاملی بحث در این فایده را با عنوان شروع نکرده و از اصحاب اجماع و قاعدهٔ اجماع که کشی آن را ذکر کرده، سخن به میان آورده، ولی مراد او قواعد عمومی توثیق است که می‌توان با این قواعد راویان زیادی را توثیق نمود.

فایدهٔ هفتم: قراین ثبوت خبر

ایشان قراینی را نام می‌برد از قبیل:

۱. راوی ثقه باشد که با وثاقت او از کذب امان باشد؛

۲. حدیث در کتابی از کتاب‌های اصول مورد اتفاق وجود دارد؛

۳. حدیث در کتب اربعه از کتاب‌های متواتر باشد؛

۴. روایت از کتاب اصحاب اجماع نقل شده باشد؛

۵. برخی راویان آن از اصحاب اجماع باشد؛

۶. از برخی راویانی باشد که ائمه(ع) آنها را توثیق کرده‌اند و دستور به رجوع به آنها را داده شده؛

۷. خبر مواثق قرآن باشد؛

۸ . خبر موافق سنت معلوم باشد؛
۹ . در کتاب‌های متعددی تکرار شده باشد؛
۱۰ . موافق با ضروریات دین باشد؛
۱۱ . معارضی از روایات نداشته باشد؛
۱۲ . محتمل تقیه نباشد؛
۱۳ . خبر در مورد مستحبات وارد شده باشد؛
۱۴ . با احتیاط موافق باشد؛
۱۵ . دو قرینه یا بیشتر به صدور خبر وجود داشته باشد؛
۱۶ . موافق با اجماع مسلمین باشد؛
۱۷ . موافق با اجماع امامیه باشد؛
۱۸ . موافق با مشهور و فتوی بیشتر علما باشد؛
۱۹ . راوی متهم در آن خبر نباشد؛
و غیر اینها از سایر قراین که با تتبع حاصل می‌شود.

فایدهٔ هشتم: تصحیح کتب مرجع

مؤلف در این باب برای صحت کتاب‌هایی که از آنها نقل کرده، استدلال‌هایی آورده که برخی مطالب در بخش‌های قبلی هم مناسب همین باب بود. مؤلف در این فایده ۲۲ قرینه ذکر می‌کند که برخی از آنها به اجمال در زیر می‌آید:

۱ . علم قطعی ثابت شده با تواتر یا اخبار همراه قراین باشد که شیوهٔ بزرگان قدما و ائمه(ع) در مدت افزون بر سی صد سال ضبط احادیث و تدوین آنها در مجالس ائمه(ع) بوده است. آنان همت‌های عالی در تألیف کتاب داشته‌اند تا شیعیان بدان عمل کنند و عمر خود را در تصحیح و ضبط و عرضه آن بر معصومان و اهل خبر داشته‌اند. این سیرهٔ بسیار مطلوب تا زمان ائمهٔ ثلاث صاحبان کتاب‌های چهارگانه حدیثی ادامه داشته، بلکه بعد از آنها هم مرسوم بوده است. آنان بزرگان کتاب‌های حدیثی را یاد کرده‌اند که معلوم و با

نام و نشان بوده و ثبوت آن «مجمعٌ علیه» بوده و برخی از این کتاب‌ها به ما هم رسیده است. در این صورت شک و تردیدی در ثبوت و استناد این روایات به معصومان باقی نمی‌ماند.

۲. به یقین عده‌ای از اصول صحیح و ثابت وجود داشته که مرجع طائفهٔ حقه بوده و بدان عمل می‌کرده‌اند و ائمه اصحاب خود را بدان ارجاع داده‌اند و اصحاب کتب اربعه تمکن از شناخت حدیث صحیح از غیرصحیح را داشته‌اند و در شناخت آن کوتاهی نکرده‌اند و اگر کوتاهی می‌شد به صحت این کتاب‌ها شهادت نمی‌دادند. از ارباب سیره و تاریخ به دست می‌آید که صاحبان اصول از کتاب‌های غیرمعتمد و بی‌ارزش حدیث نقل نکرده‌اند. چگونه می‌توان پنداشت که رئیس محدثان شیعه یعنی صدوق و ثقةالاسلام یعنی کلینی و رئیس طائفهٔ امامیه یعنی شیخ طوسی، از کتاب‌های غیرمعتمد نقل می‌کرده‌اند و آن گاه به جهت احادیث شهادت می‌داده‌اند و آن روایات را حجت بین خود و خداوند می‌دانسته‌اند؟ پس نمی‌توان شهادات آنها به صحت را باطل دانست.

۳. احادیث زیادی درباره صحت این کتاب‌ها و امر به عمل به آنها وجود دارد، به‌ویژه آنکه برخی از آنها بر ائمه(ع) عرضه شده و برخی از آنها به خط اصحاب ائمه و خط معصوم در نزد آنها موجود بوده است.[۱۲] چه بسا حدیثی که در غیر کتاب عرضه شده بر معصوم وجود دارد و لذا آن را بر حدیث موجود در آن کتاب مقدم می‌دارند! آیا جز اعتبار این کتاب‌ها دلیلی دیگر نیز وجود دارد؟ حاصل آنکه روایات متواتر بر وجوب عمل به احادیث این کتاب‌های معتمد و وجوب عمل به احادیث راویان ثقه دلالت می‌کند.

۴. مؤلفان جوامع روایی همچون صدوق و کلینی و دیگران به صحت اصول اصحاب ائمه و احادیث آنها شهادت داده‌اند، در حالی که آنها قطعاً دروغ نمی‌گویند. شیوه قدما در حدود سی صد سال بلکه تا قرن هشتم، حدود هفت‌صد

۱۲. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۵۱.

سال بر این روش بوده که احادیث را ثنایی می‌دانسته‌اند و صحیح یا ضعیف و روایاتی را که همراه قرینه بوده، معتبر می‌شمرده‌اند و حدیثی را که قرینه نداشته معتبر نمی‌دانسته‌اند، ولی متأخران تنویع حدیث را مطرح کرده‌اند. این اصطلاح جدید که به نظر ما تالی فاسدهایی هم دارد، موافق عامه و اصطلاح آنهاست، بلکه از کتاب‌های آنها گرفته شده است، ثانیاً این اصطلاح مستلزم تضعیف جمیع طائفه محقه را در زمان ائمه و زمان غیبت می‌شود و ثالثاً لازمهٔ آن ضعیف شمردن بسیاری از احادیث است که از اصول «مجمع علیها» نقل نشده است.

خصوصاً راویانی که به عدالت آنها تصریح شده باشد بسیار اندکند و چون عدالت را شرط می‌دانند، اثبات عدالت در هر راوی هم مشکل است. پس در احداث این اصطلاح غفلت زیادی از جهات گوناگون وجود دارد.

فایدهٔ نهم: پاسخ ها

شیخ حر عاملی در فایدهٔ دهم در مقام پاسخ به اشکالات و تردیدهای برآمده که به رغم او بر دلیل‌های فصل قبل وارد شده است. علمای اصولی همچون مرحوم آیةالله خوئی در مقدمهٔ معجم رجال الحدیث، استاد جعفر سبحانی در کلیات فی علم الرجال و بار فروشی در نتیجة‌المقال و دیگر محققان در مقام بررسی و نقد آن برآمده‌اند و لذا متعرض این فصل نمی‌شویم.

فایدهٔ دهم: احادیث مضمره

در برخی روایات اضمار آمده و اضمار باعث ضعف روایت نمی‌شود؛ چون دلیل آن دانسته می‌شود و در بحث‌های قبلی هم اشاره به علت پیدایی اضمار شد.

فایدهٔ یازدهم: راویان ثقه

این فایده راویان ثقه را برمی‌شمرد و آنها را از کتاب‌های قدما و خلاصة الرجال علامه حلی نقل می‌کند.